

تحلیل فقهی و حقوقی اعتبارات اسنادی در بانکداری بدون ربا

سعید نظری توکلی*
سیدعباس موسویان**
میثم خزائی***

چکیده

اعتبارات اسنادی جزء رایج‌ترین روش‌های پرداخت بانکی در تجارت بین‌الملل و تجارت داخلی است. بازرگانان در کشورهای گوناگون که از یکدیگر دورند و شناخت و اعتمادی نسبت به یکدیگر ندارند، با واسطه بانک‌ها - بانک‌گشاینده اعتبار و بانک ابلاغ‌کننده اعتبار - با اعتماد به ابزار اعتبارات اسنادی بانکی، به داد و ستد می‌پردازند. در این تحقیق برآنیم ماهیت اعتبارات اسنادی را از منظر فقهی - حقوقی تبیین کنیم. «اعتبارات اسنادی» قراردادی لازم، مستقل، تشریفاتی، عهدی و تبعی بوده که با رضایت و توافق متقاضی، بانک‌گشاینده و ذی‌نفع اعتبار شکل می‌گیرد. هرچند تلاش‌هایی برای تحلیل اعتبارات اسنادی در قالب عقود معین شده است و در بانکداری ایران نیز - با توجه به ماده ۶۷ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا - اعتبارات اسنادی بر اساس جعاله‌گشایش می‌یابد؛ ولی با توجه به تفاوت‌های شکلی و ماهوی اعتبارات اسنادی با عقود معین، این تحلیل‌ها با واقعیت‌های حقوقی منطبق نیست. این مقاله نشان می‌دهد که قرارداد اعتبارات اسنادی، قرارداد مستقل و جدیدی است که قالب ویژه مخصوص به خود دارد و در هیچ‌یک از عقود مرسوم و معین جای نمی‌گیرد.

واژگان کلیدی: اعتبارات اسنادی، بانک‌گشاینده اعتبار، جعاله، قرارداد مستقل.

تاریخ تأیید: ۹۴/۱۰/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۲۵

* دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

** دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

*** استادیار دانشگاه آیت‌الله بروجردی (نویسنده مسئول) (maysam6235@gmail.com).

۱. مقدمه

اعتبارات اسنادی از جمله روش‌های پرداخت در تجارت بین‌الملل است. با پیچیده‌شدن روابط تجاری و کمتر شدن اطمینان خریدار و فروشنده به یکدیگر، اعتبارات اسنادی به عنوان روشی که منافع هر دو آنها را تأمین می‌کند، در دوران معاصر پا به عرصه وجود نهاده است.

امروزه اعتبارات اسنادی در عرصه تجارت بین‌الملل نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کند؛ زیرا فاصله زیاد، عدم آشنایی دو طرف دادوستد با یکدیگر، عدم وجود پول واحد و وجود مقررات گوناگون داخلی، گرچه سبب پیچیده‌شدن مبادلات تجاری می‌شود؛ ولی اعتبارات اسنادی می‌تواند کمک شایانی به آسان‌سازی و بهبود این مناسبات کند (عمروانی، ۱۳۸۷، ص ۶۳ / طارم سری، ۱۳۷۷، ص ۱۳۴). منافع تمام اطراف مؤثر در معامله، تأمین و تضمینی بر اجرا یا حسن اجرای تعهدات است (لنگریچ، ۱۳۸۷، ص ۵۳ / تی. لاریا، ۱۳۸۵، ص ۱۶۰). پرداخت بهای کالا به فروشنده با خطر کمتری روبه‌رو بوده، پرداخت آن به وسیله بانک در کشور فروشنده و در زمان معین انجام می‌شود (سماواتی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲-۱۱۳ / لنگریچ، ۱۳۸۷، ص ۵۴). خریدار نیز اطمینان می‌یابد که فروشنده در صورتی به دریافت وجه کالا مجاز است که اسناد را با رعایت شرایط و ضوابط اعتبار ارائه کند (لنگریچ، ۱۳۸۷، ص ۵۵ / سماواتی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲-۱۱۳).

اعتبارات اسنادی سابقه چندان طولانی در تجارت بین‌الملل ندارد. از این رو، فقط جنبه‌های مالی و اقتصادی آن که موضوع تجارت بین‌الملل است، مورد توجه پژوهشگران بوده، مباحث فقهی و حقوقی آن کمتر مورد بحث قرار گرفته است؛ به عنوان مثال، به آثاری همچون «جنبه‌های حقوقی اعتبارات اسنادی بین‌المللی» از آقای بناء نیاسری، «اعتبارات اسنادی بازرگانی» از آقای زمانی فرهنگی، «روابط حقوقی طرفین اعتبارات اسنادی» از آقای عمروانی و «بحثی پیرامون اعتبارات اسنادی» از دکتر بهروز اخلاقی می‌توان اشاره کرد. البته این آثار، ماهیت و ویژگی‌های اعتبارات اسنادی را از منظر فقهی مورد توجه قرار نداده، آن را بیشتر از منظر حقوق تجارت بین‌الملل بررسی کرده‌اند. بر این اساس، در این مقاله بر آنیم ماهیت این قرارداد را از منظر فقه و حقوق موضوعه بررسی کنیم. تبیین ماهیت فقهی اعتبارات اسنادی، از جمله نوآوری‌های این

مقاله به حساب می‌آید.

تشخیص ماهیت قرارداد اعتبار اسنادی در گشایش آن در بانک‌ها اهمیت بسزایی دارد؛ ولی در فقه اسلامی و حقوق داخلی، ماهیت آن به خوبی بررسی نشده است و این عدم بررسی، باعث به وجود آمدن خلأهای قانونی و نابسامانی‌هایی در این باره شده است. از این رو، ضروری است با بررسی دقیق زوایای این قرارداد، ماهیت آن بر اساس مبانی فقهی تبیین گردد.

۲. مفهوم‌شناسی

جهت تبیین دقیق مسئله نیاز به مفهوم‌شناسی اصطلاحات ذیل است:

۲-۱. اعتبار

اعتبار در لغت به معنای «اعتماد» و «اطمینان» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۹۰۳). منظور از این واژه در اصطلاح تجارت بین‌الملل، عبارت است از اعتمادی که بانک (مؤسسه) به افراد یافته، به آنها اجازه می‌دهد از سرمایه آن بانک (مؤسسه) یا شخص اعتباردهنده تا مبلغ معین استفاده کنند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۹۰۳ / نیاسری، ۱۳۸۹، ص ۱۶۲).

۲-۲. اسناد

«اسناد» جمع سند بوده، سند چیزی است که به آن تکیه و اعتماد می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۲۰ / دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۳۷۸۵). منظور از سند در تجارت، هر نوشته‌ای است که معرف یا به وجودآورنده تعهدات تجاری باشد؛ مانند: برات، سفته، قبض انبارهای عمومی، بارنامه، اسناد اعتباری بانکی (اخلاقی، ۱۳۷۰، ص ۲۲).

۳-۳. اعتبار اسنادی

برای اعتبارات اسنادی، تعاریف متعددی ذکر شده است. بیشتر مؤلفان حقوق تجارت بین‌الملل، به تعریف این ابزار پرداخته‌اند؛ برای نمونه به دو تعریف اشاره می‌کنیم: «اعتبار اسنادی، تعهدی است که بانک گشاینده اعتبار بنا به درخواست و دستور

خریدار، نسبت به پرداخت مبلغی معین، ظرف مهلتی مقرر و در مقابل اسنادی مشخص، به فروشنده می‌دهد» (طارم سری، ۱۳۷۷، ص ۱۳۳).

ماده ۲ مقررات متحدالشکل اعتبار اسنادی اتاق بازرگانی UCP 600 نیز در تعریف «اعتبارات اسنادی» مقرر می‌دارد: «اعتبار یعنی هرگونه ترتیبی، به هر نام و یا توصیفی، که غیرقابل برگشت بوده و دربرگیرنده تعهد قطعی بانک گشاینده نسبت به پذیرش پرداخت اسناد مطابق با شرایط اعتبار باشد». از این تعریف چنین برمی‌آید که اعتبارات اسنادی ابزاری است که «پرداخت وجه به ذی‌نفع را تضمین می‌کند»، «تمهیدات لازم برای پرداخت وجه را فراهم می‌آورد» و «ضمانت می‌کند شرایط توافق‌شده برای پرداخت، رعایت و اجرا گردد» (اتاق بازرگانی بین‌المللی و مرکز تجارت بین‌المللی، ۱۳۸۷، ص ۲۰).

۳. موضوع شناسی

در کشورهای گوناگون به طور معمول بازرگانان (خریدار و فروشنده) که دور از یکدیگرند، قراردادی را منعقد می‌کنند که در آن شرط شده است بهای کالا از راه اعتبارات اسنادی پرداخت شود. خریدار به بانک خود مراجعه کرده، اعتباری را به نفع فروشنده ایجاد می‌کند. با گشایش اعتبار، بانک گشایش‌دهنده، اعتبار را به طور مستقیم یا از راه بانک کارگزار خود، به فروشنده ابلاغ می‌کند. فروشنده (ذی‌نفع) پس از اطلاع از گشایش اعتبار به سود خود، کالا (مبیع) را ارسال کرده، اسناد مقرر در اعتبار را به منظور دریافت بها (ثمن) به بانک تعیین‌شده که به طور معمول همان بانک ابلاغ‌کننده است، ارائه می‌کند. با احراز صحت و کامل‌بودن اسناد به وسیله بانک تعیین‌شده، وجه اعتبار به فروشنده پرداخت می‌گردد یا برات صادره او قبولی‌نویسی می‌شود. بانک تعیین‌شده، اسناد را به منظور بازپرداخت وجهی که به نیابت پرداخت کرده است، برای بانک گشاینده اعتبار می‌فرستد. بانک گشاینده اعتبار با احراز انطباق اسناد با شرایط اعتبار، وجه پرداخت‌شده از سوی بانک تعیین‌شده را بازپرداخت می‌کند. در این زمان، بانک گشاینده اعتبار به خریدار اطلاع می‌دهد که اسناد حمل در دست بانک بوده، لازم است او برای تسویه حساب به بانک مراجعه کند. با تسویه

حساب خریدار با بانک گشاینده اعتبار، خریدار، اسناد را از بانک گرفته، به متصدی حمل ارائه می‌کند و کالا را تحویل می‌گیرد (لنگریچ، ۱۳۸۷، ص ۴۳-۵۰/ زمانی فراهانی، ۱۳۸۴، ص ۵۷/ تی. لاریا، ۱۳۸۵، ص ۱۶۶-۱۶۷). بر اساس توافق میان خریدار و بانک گشاینده اعتبار، خریدار ممکن است مبلغ اعتبار را پیش یا پس از دریافت اسناد به بانک گشاینده بازپرداخت کند.

۴. متعاقدان در اعتبار اسنادی

با توجه به اینکه عملیات اعتبار اسنادی مشتمل بر سه طرف درگیر (خریدار یا متقاضی اعتبار، فروشنده یا ذی‌نفع، بانک گشاینده اعتبار) و سه قرارداد (قرارداد پایه میان خریدار و فروشنده، قرارداد میان خریدار و بانک گشاینده جهت افتتاح اعتبار، قرارداد میان بانک گشاینده و فروشنده برای پرداخت وجه اعتبار) می‌باشد، ضروری است دو طرف قرارداد (متعاقدان) اعتبار اسنادی معلوم گردد.

۴-۱. متقاضی و بانک گشاینده اعتبار

بر اساس این دیدگاه، خریدار (متقاضی) با پُر کردن فرم‌های گشایش اعتبار، ایجاب را صادر می‌کند و بانک گشاینده اعتبار با پذیرش تقاضای متقاضی، رکن دوم - یعنی قبول - را تحقق می‌بخشد که به موجب آن، بانک متعهد می‌شود وجه اعتبار را در مقابل ارائه اسناد و با توجه به شرایط اعتبار، به فروشنده (ذی‌نفع) بپردازد. در مقابل، متقاضی نیز بر اساس توافق انجام‌شده با بانک گشاینده اعتبار، نسبت به پرداخت وجه اعتبار، کارمزد و هزینه‌های دیگری که بانک اعلام می‌کند، متعهد می‌گردد (ر.ک: عمروانی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹/ خزاعی، ۱۳۷۳، ص ۲۳/ الهلویی زارع، ۱۳۸۷، ص ۷۸).

۴-۲. بانک گشاینده اعتبار و ذی‌نفع

دیدگاهی نیز بر این باور است که دو طرف قرارداد اعتبار اسنادی، بانک گشاینده اعتبار و فروشنده کالا (ذی‌نفع) است. بر این اساس، بانک گشاینده اعتبار با ابلاغ اعتبار به ذی‌نفع و تعهد پرداخت به او، ایجاب را صادر می‌کند و ذی‌نفع نیز با مراجعه به بانک و

ارائه اسناد حمل، اعتبار صادرشده را قبول می‌کند (ر.ک: زمانی فراهانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹ / رفیعی، ۱۳۸۷، ص ۶۱ / گائو ایکس یانگ، ۱۳۸۵، ص ۳۱۱).

۴-۴. دیدگاه مختار

اگر ذی‌نفع یکی از دو طرف عقد نباشد، نباید رضایت او در پرداخت به روش اعتبار اسنادی و انتخاب بانک گشاینده اعتبار، شرط باشد؛ با اینکه بدون رضایت او اعتبار اسنادی شکل نمی‌گیرد؛ بنابراین احتمال اول نمی‌تواند درست باشد. همچنین اگر متقاضی اعتبار، یکی از دو طرف عقد نباشد، باید مراجعه و درخواست او برای گشایش اعتبار و نیز رضایت او در انعقاد قرارداد اعتبار اسنادی، شرط نباشد؛ با اینکه چنین نیست. از این رو، دیدگاه دوم نیز درست به نظر نمی‌رسد.

به نظر می‌رسد با توجه به روند شکل‌گیری و اجرای عملیات اعتبار اسنادی، متقاضی و بانک گشاینده اعتبار را می‌توان متعاقدان عقد دانست؛ به این صورت که متقاضی، ایجاب را صادر می‌کند و بانک گشاینده اعتبار، ایجاب را قبول می‌کند و در این زمان اعتبارات اسنادی منعقد می‌گردد. البته رضایت ذی‌نفع نیز در قرارداد گشایش اعتبار - هم در چگونگی پرداخت به روش اعتبار اسنادی و هم در انتخاب بانک گشاینده اعتبار - شرط است. به بیان دیگر، می‌توان گفت شکل‌گیری این قرارداد همانند عقد حواله، بر رضایت سه طرف (متقاضی، ذی‌نفع و بانک گشاینده اعتبار) مبتنی است؛ ولی انعقاد آن به وسیله متقاضی و بانک گشاینده اعتبار انجام می‌گیرد.

۵. ویژگی‌های قرارداد اعتبار اسنادی

قرارداد اعتبار اسنادی ویژگی‌هایی دارد که در ذیل بدان خواهیم پرداخت.

۵-۱. لازم‌بودن

با توجه به اصل لزوم قراردادها (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۹۹ / انصاری، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۴)، قرارداد اعتبار اسنادی از جمله قراردادهای لازم است که در صورت برگشت‌پذیربودن آن، فقط به وسیله شرط حق فسخ برای یک طرف یا هر سه طرف

امکان‌پذیر است (لنگریچ، ۱۳۸۵، ص ۴۴/ کریمی، ۱۳۶۷، ص ۱۰۴/ ابافت، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱).

۵-۲. تشریفاتی بودن

اعتبارات اسنادی از جمله عقود تشریفاتی است؛ زیرا تنظیم فرم خاص تعهدنامه، ثبت کالاهای خریداری‌شده، فرم تقاضای گشایش اعتبارات اسنادی و واریز همه یا قسمتی از مبلغ اعتبار در حسابی مخصوص، از جمله شرایطی است که اعتبارات اسنادی افزون بر شرایط اصلی عقد، باید دارا باشد (مرادی بنی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۰).

۵-۳. عهدی بودن

اعتبارات اسنادی به واسطه تعهد بانک گشاینده اعتبار به پرداخت وجه در مقابل ارائه اسناد، قراردادی عهدی به حساب می‌آید (هنرمند، ۱۳۸۶، ص ۵۷).

۵-۴. تبعی بودن

اعتبارات اسنادی قراردادی است که به دنبال قرارداد موجود میان فروشنده و خریدار برای دادوستد کالا یا خدمات شکل می‌گیرد (مرادی بنی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۰).

۵-۵. مستقل بودن

هرچند اعتبارات اسنادی به تبع قرارداد خریدار و فروشنده شکل می‌گیرد؛ ولی مستقل از قرارداد اصلی و پایه است؛ زیرا بانک گشاینده اعتبار فقط به دنبال رسیدگی به مطابقت اسناد تسلیمی به وسیله فروشنده با اسناد مشخص‌شده در تقاضای خریدار است و هیچ الزامی به بررسی کالا و خدمات موضوع قرارداد پایه ندارد. از این رو، گفته می‌شود قرارداد اعتبار اسنادی «معامله اسناد» است (لنگرودی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۲۰-۴۲۱/ اخلاقی، ۱۳۷۰، ص ۸۱/ خزاعی، ۱۳۷۳، ص ۲۶-۲۷).

۶. ماهیت فقهی اعتبارات اسنادی

در فقه معاصر و حقوق ایران، تفسیرهای حقوقی گوناگونی از ماهیت اعتبارات اسنادی

شده است؛ به گونه‌ای که رویه بانکی در برخورد با این نوع قرارداد، متفاوت و گاهی در تبیین حقوقی آن، نظرات مغایر ابراز و ارائه شده است. قانون عملیات بانکی بدون ربا، اجازه انجام عملیات بانکی را فقط در قالب عقود معین داده است. بر این اساس، تلاش‌هایی برای تحلیل اعتبارات اسنادی در قالب عقود معین مانند وکالت، حواله، ضمان، اجاره اشخاص و جعله، به دلیل تشابهاتی که در نگاه اول به نظر می‌آید، انجام گرفته است (ر.ک: ابوالحسنی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۹/ اخلاقی، ۱۳۷۰، ص ۷۹/ رفیعی، ۱۳۸۷، ص ۵۳). در ادامه به ذکر نظرات مطرح می‌پرازیم و آنها را ارزیابی می‌کنیم.

۱-۶. تحلیل اعتبارات اسنادی در قالب عقد وکالت

دیدگاهی وجود دارد که اعتبارات اسنادی را می‌توان در قالب عقد وکالت تبیین کرد (شبیر، ۱۴۲۷، ص ۲۸۳/ زرقاء، [بی‌تا]، ص ۱۴۷)؛ بدین صورت که متقاضی اعتبار، به بانک نیابت می‌دهد در مقابل دریافت اسناد مندرج در اعتبارنامه، پرداختی را به ذی‌نفع یا به حواله‌کرد او انجام دهد؛ بنابراین گشایش اعتبار، متضمن وکالتی است که متقاضی اعتبار در پرداخت دین به بانک می‌دهد (حاج علی، ۱۳۸۴، ص ۸۶-۸۴/ شبیر، ۱۴۲۷، ص ۲۸۳).

از ماده ۲ مقررات و رویه‌های متحدالشکل اعتبارات اسنادی UCP 600 نیز این نظریه قابل برداشت است. مستفاد از ماده مذکور، متقاضی، بانک را در پرداخت ثمن به ذی‌نفع، نایب خود قرار می‌دهد.

ارزیابی فقهی: با بررسی ویژگی‌های عقد وکالت و اعتبارات اسنادی، وکالت را نمی‌توان قالب صحیحی برای اعتبار اسنادی دانست؛ زیرا:

۱. از منظر فقهای امامیه و مستفاد از قانون مدنی ایران، وکالت از جمله عقود جایز است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۶۷/ خوبی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۰۰/ خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۵/ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۳۵۶)؛ بنابراین هر یک از وکیل و موکل هرگاه بخواهند، می‌توانند عقد وکالت را فسخ کنند (خوبی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۰۰/ خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۵/ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۳۵۶). همچنین وکالت، به مرگ، جنون و اغمای وکیل و موکل و حجر موکل باطل می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۶۸/ علامه حلی، ۱۴۱۴،

ج ۱۵، ص ۱۵۶-۱۵۸ / محقق حلّی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۵۲ / نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۳۶۱-۳۶۴ / امامی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۳۰، در حالی که اگر قرارداد اعتبار اسنادی از مصادیق وکالت باشد، باید آن را قراردادی جایز دانست که این گونه نیست؛ زیرا اعتبارات اسنادی از عقود لازم است و حتی فسخ اعتبارات اسنادی - به علل قانونی - اصولاً منتفی است؛ چون جهات سه گانه‌ای (حق خیار، خیار شرط، انفساخ قهری) که سبب انحلال عقود لازم می‌گردد، فقط انفساخ قهری (قوه قهریه - فورس‌ماژور) است که بر اساس ماده ۱۷ UCP 600 باعث انحلال این قرارداد می‌گردد (مرادی بنی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱ / رفیعی، ۱۳۸۷، ص ۶۸).

۲. طبق نظر مشهور فقها، وکالت باید به صورت منجز تحقق یابد. بر این اساس، انشای وکالت نباید به چیزی معلق باشد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۹ / ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۹۹ / شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۲۳۹ / کرکی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۸۰ / خویی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۶۶)؛ ولی آن گونه که از مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی UCP 600 برداشت می‌شود، شرطی که سبب تعلیق اعتبار شود، صحیح است؛ هر چند به طور معمول بانک‌ها به شرطی که باعث معلق شدن اعتبار شود، توجهی نمی‌کنند و قرارداد اعتبار را بدون ملاحظه شرط، صحیح می‌دانند (مستفاد از مواد مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی UCP 600).

۳. تعهداتی که وکیل در مقابل ثالث به عهده می‌گیرد، در حقیقت متوجه موکل است؛ زیرا وکیل، واسطه‌ای بیش نیست، در حالی که در اعتبارات اسنادی اولاً، تعهد بانک در پرداخت وجه اعتبار، تعهدی جداگانه است و آثار این تعهد متوجه خود اوست، نه دستوردهنده؛ ثانیاً، قرارداد اعتبار اسنادی، مجرد از روابط حقوقی پیش از آن است (مرادی بنی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۱).

۴. یکی از عوامل افتراق اعتبارات اسنادی با عقد وکالت، ذی‌نفع در قرارداد اعتبار اسنادی است. ذی‌نفع از ارکان اصلی اعتبار است که با رضایت و توافق وی اعتبار قابل اصلاح و فسخ می‌باشد؛ ولی در وکالت، طرف مقابل موکل و وکیل، هیچ نقشی در عقد وکالت ندارد و رضایت او تأثیری در انعقاد، اصلاح و فسخ وکالت ندارد (همان، ص ۱۲۲).

۵. در وکالت، وکیل نسبت به آنچه در دستش دارد، امین است و ضامن آن نیست؛ یعنی در صورت تلف یا نقص کالا بدون تعدی و تفریط وکیل، هیچ ضمانتی متوجه او نیست (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۱۸۶ / خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۰۱ / خمینی، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۸ / شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۳۸۳ / مغنیه، ۱۹۶۵، ج ۴، ص ۲۴۸)؛ ولی در اعتبارات اسنادی با گشایش اعتبار و تعهد بانک به پرداخت وجه اعتبار به ذی نفع، بانک گشاینده اعتبار در هر صورت ضامن است. اصولاً در اعتبارات اسنادی، امین بودن موضوعیتی ندارد و همیشه اصل بر ضمانت است (مرادی بنی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲).

با توجه به ایرادهای مطرح، با قاطعیت می توان گفت عقد وکالت، قالب مناسبی برای تحلیل ماهیت حقوقی قرارداد اعتبار اسنادی نیست.

۲-۶. تحلیل اعتبارات اسنادی در قالب عقد حواله

با توجه به تعریف حواله، دیدگاهی وجود دارد مبنی بر اینکه قرارداد گشایش اعتبار اسنادی، در قالب عقد حواله قابل تبیین است؛ بدین ترتیب که در آن متقاضی اعتبار (مدیون یا محیل)، طی حواله ای (اعتبار اسنادی) پرداخت دین خویش به ذی نفع اعتبار (طلبکار یا محتال) را به عهده بانک گشاینده اعتبار یعنی شخص ثالث یا محال علیه قرار می دهد (ر.ک: رفیعی، ۱۳۸۷، ص ۶۹ / زرقاء، [بی تا]، ص ۱۴۷ / علم الدین، ۱۴۱۷، ص ۹۶).

ارزیابی فقهی: با بررسی خصوصیات عقد حواله، حواله نمی تواند قالب مناسبی برای اعتبارات اسنادی باشد؛ زیرا:

۱. از شرایط حواله، ثبوت مال محال به در ذمه محیل است (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۶۲ / مغنیه، ۱۹۶۵، ج ۴، ص ۶۴ / امامی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۸۴)؛ بنابراین در جایی که دینی بر ذمه محیل نیست، حواله صحیح نیست؛ حتی اگر سبب دین نیز به وجود آمده باشد (خمینی، [بی تا]، ج ۲، ص ۳۱)؛ ولی در قرارداد اعتبار اسنادی، متقاضی در زمان گشایش اعتبار، به ذی نفع مدیون نیست، بلکه فقط به پرداخت با روش اعتبارات اسنادی از راه بانک، تعهد می نماید. در نهایت، تعهد پرداخت به روش اعتبار اسنادی مشروط به انجام دادن تعهد متقابل از سوی ذی نفع در آینده است که در این صورت، برای ذی نفع یک حق دینی ایجاد می کند. حق دینی نیز دین موضوع حواله

نیست. دین در حواله، نسبت به حق دینی و تعهد در قرارداد گشایش اعتبار، متفاوت است (رفیعی، ۱۳۸۷، ص ۷۹ / مرادی بنی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱-۱۱۲).

۲. از نظر فقهای امامیه، حواله ناقل است؛ یعنی دین از ذمه محیل به ذمه محال‌علیه منتقل می‌شود و ذمه محیل از دین بری می‌گردد؛ اگرچه محال، محیل را از دین بری نکرده باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۱۳۳ / طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۱۳ / محقق حلّی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۹۳). قانون مدنی نیز به تبعیت از فقه امامیه در مواد ۵۲۴ و ۵۳۰ مقرر می‌دارد که دین از ذمه محیل به ذمه محال‌علیه منتقل می‌شود و ذمه محیل از دین بری می‌گردد، حال آنکه در قرارداد اعتبار اسنادی، طلب ذی‌نفع از ذمه متقاضی به ذمه بانک گشاینده اعتبار منتقل نشده، ذمه متقاضی بابت ثمن در برابر ذی‌نفع بری نمی‌شود (مرادی بنی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱-۱۱۲ / بناء نیاسری، ۱۳۸۹، ص ۵۰۳).

۳. طبق نظر فقهای امامیه و قانون مدنی ایران در ماده ۷۳۳، هرگاه قراردادی که عقد حواله به تبع آن منعقد شده است، باطل یا فسخ شود، عقد حواله نیز به تبعیت از آن باطل می‌شود؛ زیرا عقد حواله، تابع بیع است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۱۳ / محقق حلّی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۹۵ / علامه حلّی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۶۳). قانون مدنی نیز در ماده ۷۳۳، بطلان قراردادی را که عقد حواله به تبع آن منعقد شده است، سبب بطلان عقد حواله می‌داند، در حالی که مطابق با اصل استقلال اعتبارات اسنادی، اعتبار گشایش‌یافته از قرارداد مبنایی فروش یا قراردادهای دیگر مستقل است و فقط با اسناد (مطابقت با شرایط اعتبار) سروکار دارد. بر این اساس، بطلان قرارداد مبنایی بر بطلان قرارداد اعتبار اسنادی تأثیری ندارد (مرادی بنی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۳).

۳-۶. تحلیل اعتبارات اسنادی در قالب عقد ضمان

با توجه به شباهت‌های ظاهری اعتبارات اسنادی با عقد ضمان، این احتمال وجود دارد که قرارداد اعتبار اسنادی در قالب عقد ضمان قابل تبیین است؛ زیرا اعتبارات اسنادی با تعهد بانک گشاینده اعتبار همراه است.

طبق این نظریه در قرارداد اعتبار اسنادی، بانک گشاینده اعتبار، پرداخت بهای کالا (مال) را که بر عهده متقاضی است، تضمین می‌کند و به ذی‌نفع تعهد می‌دهد

اگر به تعهداتش در تحویل کالا پای‌بند باشد، بهای کالا را از سوی خریدار به وی پرداخت خواهد کرد.

ارزیابی فقهی: با توجه به وجود دو برداشت «نقل ذمه» و «ضم ذمه» در ماهیت عقد ضمان، اعتبارات اسنادی را با هر دو رویکرد می‌توان ارزیابی کرد:

الف) اعتبارات اسنادی و نقل ذمه: در صورت پذیرش نقل ذمه در عقد ضمان، ذمه بانک گشاینده اعتبار با پذیرش تقاضای متقاضی و گشایش اعتبار، مشغول و ذمه متقاضی بری می‌شود و از این پس، ذی‌نفع فقط می‌تواند برای وصول طلب خود به بانک مراجعه کند؛ ولی به این نظریه ایراداتی وارد است:

۱. در حقوق مدنی ایران به پیروی از فقه امامیه (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۲۴/ علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۴۲/ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۸۹/ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۱۱۳/ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۷۱)، در عقد ضمان، اصل بر نقل ذمه و برائت ذمه مضمون‌عنه است (امامی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۵۲/ کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۲۸)؛ بدین معنا که ذمه مدیون به ذمه ضامن منتقل می‌گردد و ذمه مضمون‌عنه از دین سابق بری می‌شود، در حالی که در قرارداد اعتبار اسنادی، طلب ذی‌نفع از ذمه خریدار (متقاضی اعتبار) به ذمه بانک گشاینده یا تأییدکننده اعتبار منتقل نمی‌شود و ذمه متقاضی بابت ثمن در برابر ذی‌نفع بری نمی‌شود (مرادی بنی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱-۱۱۲/ بناء نیاسری، ۱۳۸۹، ص ۵۰۳) و همچنان بدهکار اصلی، متقاضی است و در صورتی که اعتبار اسنادی به عللی فسخ شود، متقاضی اعتبار، در برابر ذی‌نفع فقط بدهکار و متعهد است.

افزون بر این، در اعتبار قابل برگشت، بانک گشاینده اعتبار در هر لحظه و بدون اطلاع قبلی به ذی‌نفع، می‌تواند اعتبار را اصلاح یا لغو کند. این اختیار نشان می‌دهد که نقل ذمه‌ای صورت نگرفته است؛ زیرا اگر نقل ذمه صورت می‌گرفت، دیگر امکان لغو یا اصلاح از سوی بانک گشاینده اعتبار - به منزله ضامن - وجود نداشت (رفیعی، ۱۳۸۷، ص ۷۶-۷۷).

- مضمون‌عنه (مدیون اصلی) هیچ‌گونه نقشی در عقد ضمان ندارد و عقد ضمان، بدون دخالت او منعقد می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۱۲۰/ علامه حلی، ۱۴۱۳،

ج ۲، ص ۱۵۷ / همو، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۰۴؛ به همین دلیل، ماده ۶۸۵ ق.م. مقرر داشته است: «در ضمان، رضای مدیون اصلی شرط نیست»؛ ولی در قرارداد گشایش اعتبار اسنادی، آنچه به عنوان رکن گشایش اعتبار مطرح است، درخواست و تقاضای متقاضی اعتبار از بانک گشاینده اعتبار می‌باشد. در حقیقت قرارداد اعتبار اسنادی، میان بانک گشاینده اعتبار و متقاضی اعتبار منعقد می‌شود (عمروانی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۳).

ب) اعتبارات اسنادی و ضمّ ذمه: اگر بر خلاف نظر مشهور امامیه و طبق نظر فقه‌های اهل سنت (رافعی، [بی تا]، ج ۱۰، ص ۳۵۹ / نووی، [بی تا]، ج ۱۴، ص ۲۳ / سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۲۰، ص ۲۹ / ابن قدامه، [بی تا]، ج ۵، ص ۸۳) و قانون تجارت ایران^۱ که ضمان عقودی را ضمّ ذمه ضامن به ذمه مضمون‌عنه تعریف کرده‌اند، اعتبارات اسنادی را در قالب ضمّ ذمه تحلیل کنیم، فروشنده (ذی نفع)، هم به خریدار (متقاضی اعتبار) و هم به بانک گشاینده اعتبار می‌تواند مراجعه کند (تضامن عرضی) یا بانک گشاینده اعتبار، تعهد می‌کند که اگر خریدار از ایفای تعهدات خود امتناع ورزید یا از عهده آن برنیامد، بانک وجه کالا را پرداخت می‌کند (تضامن طولی) (لنگرودی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۷۵-۲۷۶ / بجنوردی، ۱۳۸۵، ص ۴۵-۴۹).

اما با این حال، بر این نظریه نیز ایراداتی وارد است:

- ضمّ ذمه ضامن به مضمون‌عنه (تضامن) به دو صورت ممکن است: «تضامن عرضی» و «تضامن طولی»؛ یعنی مضمون‌له یا به هریک از مضمون‌عنه و ضامن که بخواهد می‌تواند رجوع کند (تضامن عرضی)، یا در صورت امتناع مضمون‌عنه از پرداخت دین، می‌تواند به ضامن مراجعه می‌کند (تضامن طولی) (لنگرودی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۷۵-۲۷۶ / کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۲۵-۲۲۶)، در حالی که در اعتبار اسنادی، وضعیت این گونه نیست؛ زیرا هرچند ذمه خریدار (متقاضی) بری نشده است؛ ولی فروشنده (ذی نفع) برای دریافت وجه اعتبار، نخست باید به بانک گشاینده اعتبار مراجعه کند و در صورتی که بانک از پرداخت وجه اعتبار امتناع کرد، ذی نفع می‌تواند

۱. ماده ۴۰۲ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «ضامن وقتی حق دارد از مضمون‌له تقاضا نماید که بدو به مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب، به او رجوع نماید که بین طرفین (خواه ضمن قرارداد مخصوص، خواه در خود ضمانت‌نامه) این ترتیب مقرر شده باشد».

برای دریافت وجه کالا به متقاضی مراجعه کند.

- تعهد ضامن در حقوق تجارت، ماهیت تبعی دارد؛ یعنی هنگامی که طرفین قرارداد اصلی، مفاد قرارداد پایه را تغییر دهند یا معلوم شود قرارداد پایه، باطل و بی اعتبار بوده است، ضامن از پرداخت بدهی بری می شود؛ بنابراین در این نظام حقوقی، ضامن (بانک) می تواند در مقابل فروشنده (ذی نفع) به همه ایرادها و دفاع هایی که در اختیار مدیون اصلی (خریدار) است، استناد کند. بر این اساس، اگر بپذیریم اعتبارات اسنادی، ضمان عقدی است، ویژگی تبعیت عقد ضمان از تعهد اصلی سبب می شود همه آثار مثبتی که از وصف استقلال اعتبارات اسنادی به وجود می آید، تهی شود (بناء نیاسری، ۱۳۸۹، ص ۵۰۶).

در نتیجه با توجه به مطالب و ایرادات پیش گفته، تحلیل اعتبارات اسنادی در قالب عقد ضمان - چه به نقل ذمه و چه به ضم ذمه قائل شویم - صحیح نیست و عقد ضمان، جامعیت مناسبی برای تبیین اعتبارات اسنادی ندارد.

۴-۶. تحلیل اعتبارات اسنادی در قالب اجاره اشخاص

اجاره اشخاص، از جمله عقود است که قرارداد اعتبارات اسنادی در قالب آن تبیین شده است. برخی مراجع تقلید برای تحلیل ماهیت فقهی اعتبارات اسنادی، به اجاره اشخاص اشاره کرده اند (خویی، توضیح المسائل مراجع، مسائل بانکی، مسئله ۷/ وحید خراسانی، ۱۴۲۸، ص ۵۹۱).

با توجه به اینکه بانک گشاینده اعتبار در قبال گشایش اعتبار بابت انجام خدمات بانکی - همچون دریافت اسناد کالا از فروشنده و پرداخت بهای آن به وی - کارمزد می گیرد، انجام عمل از سوی بانک و پرداخت کارمزد از سوی خریدار بر این اساس است که خریدار، بانک را برای انجام این امور اجیر می کند و کارمزد مورد توافق را به بانک می پردازد (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۶۰).

ارزیابی فقهی: هر چند نظریه تحلیل اعتبارات اسنادی در قالب اجاره اشخاص به دلیل لزوم عقد اجاره و امکان استفاده از آن در خدمات، نسبت به برخی نظرات دیگر، قالب مناسب تری برای تبیین اعتبارات اسنادی است؛ ولی ایراداتی نیز به آن وارد است:

۱. هرچند اجاره، عقدی لازم و به راحتی قابل فسخ نیست؛ ولی مستأجر و اجیر می‌توانند با توافق یکدیگر اجاره را اقاله کنند؛ بدون اینکه نیازی به رضایت شخص دیگری باشد، در حالی که بر اساس مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی، فسخ یا اصلاح اعتبارات اسنادی غیرقابل برگشت، بدون رضایت ذی‌نفع و توافق با او امکان‌پذیر نیست (کریمی، ۱۳۶۷، ص ۱۰۴).
 ۲. ذی‌نفع در اعتبارات اسنادی از ارکان اصلی اعتبارات اسنادی است؛ ولی در عقد اجاره، طرف مقابل مستأجر و اجیر، هیچ نقشی در عقد اجاره نداشته، رضایت او تأثیری در انعقاد، اصلاح و فسخ اجاره ندارد.
 ۳. در اجاره، اجیر نسبت به آنچه در دستش دارد، امین است و ضامن آن نیست؛ یعنی در صورت تلف یا نقص کالا بدون تعدی و تفریط اجیر، هیچ ضمانتی متوجه او نیست؛ ولی در اعتبارات اسنادی با گشایش اعتبار و تعهد بانک به پرداخت وجه اعتبار به ذی‌نفع، بانک گشاینده اعتبار در هر صورت ضامن است. در واقع در اعتبارات اسنادی، امین بودن موضوعیتی ندارد و همیشه اصل بر ضمانت است (مرادی بنی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۲).
- بر این اساس، نمی‌توان اجاره اشخاص را قالب مناسبی برای تحلیل ماهیت حقوقی اعتبارات اسنادی دانست.

۵-۶. تحلیل اعتبار اسنادی در قالب جعاله

در حال حاضر در عرف بانکداری ایران، قرارداد اعتبارات اسنادی در قالب عقد جعاله گشایش می‌یابد (زمانی فراهانی، ۱۳۸۶، ص ۹۰ / موسویان، ۱۳۸۶، ص ۲۲۵) تا مشمول قراردادهای لازم‌الاجرای ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا و اصلاحات آن شود. بر اساس ماده ۱ قرارداد جعاله گشایش اعتبار اسنادی، جاعل با امضای فرم گشایش اعتبار اسنادی از بانک درخواست می‌کند با دریافت اسناد حمل، مبلغ معینی را در وجه ذی‌نفع اعتبار پردازد و اسناد حمل دریافتی را تسلیم جاعل کند. بدین ترتیب در قرارداد گشایش اعتبار، متقاضی، نقش عامل و بانک گشاینده، نقش جاعل را در جعاله دارند (رفیعی، ۱۳۸۷، ص ۸۰-۸۱).

نقد رویه بانکداری: هرچند در بانکداری ایران، گشایش اعتبار اسنادی بر اساس جعاله منعقد می‌شود؛ ولی این نظر درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا:

- بنا به نظر تعداد زیادی از فقها، جعاله عقد نیست و ایقاع است؛ یعنی قراردادی یک‌سویه به حساب می‌آید (محقق حلّی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۲۷/ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۵، ص ۱۸۹/ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۱۴۷)؛ با اینکه بی‌شک اعتبار اسنادی، قراردادی دوسویه بوده، انشایی یک‌طرفه (ایقاع) نیست (عمروانی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۳).

- بر اساس نظر آن دسته از فقهای که جعاله را عقد می‌دانند، همچنین مستفاد از مواد ۵۶۵ و ۵۶۶ ق.م. جعاله عقدی جایز است؛ یعنی هرگاه هر یک از دو طرف این قرارداد بخواهند، می‌توانند آن را فسخ کند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۳۲/ علامه حلّی، ۱۴۱۱، ص ۱۰۷/ شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۰۰/ کیدری، ۱۴۱۶، ص ۳۲۹)، در حالی که قرارداد اعتبار اسنادی از عقود لازم است. عقد جعاله مانند دیگر عقود جایز، با مرگ و حجر هر یک از دو طرف منفسخ می‌شود، در حالی که اگر قرارداد گشایش اعتبار اسنادی، پیش از فوت متقاضی اعتبار، تکمیل و منعقد شده باشد، به دلیل وصف لزوم آن، بانک گشاینده اعتبار همچنان در مقابل وارث او متعهد است. همچنین اگر متقاضی اعتبار پس از انعقاد قرارداد اعتبار، سفیه یا مجنون شود، ماهیت قرارداد تغییر نمی‌کند و تعهد بانک در مقابل قائم‌مقام او به قوت خود باقی می‌باشد (مرادی بنی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴/ عمروانی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۳).

- جعاله از عقود مبتنی بر تسامح است و وجود غرر، لطمه‌ای به درستی آن نمی‌زند؛ به همین دلیل، نامعلوم بودن چگونگی عمل یا میزان دستمزد، مانع به حساب نمی‌آیند (علامه حلّی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۱۶/ کرکی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۹۲-۱۹۳)؛ ولی اعتبار اسنادی از عقود مغایه‌ای است و غرر در آن راه ندارد و باید عمل و دستمزد (کارمزد) مشخص و معلوم باشد (مرادی بنی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴).

۶-۶. تحلیل قرارداد اعتبار اسنادی در قالب عقد جدید (بر مبنای اصل صحت قراردادها)

هرچند مقایسه و تطبیق نهاد اعتبارات اسنادی با قالب عقود معین، تبیین و توضیح آن را آسان می‌کند؛ ولی همان‌گونه که پیش‌تر گذشت، با ایرادهایی روبه‌رو می‌باشد. از این رو، لازم است این قرارداد را از قالب‌های متعارف فقهی خارج بدانیم و نهاد اعتبارات اسنادی را از جمله عقود نامعین به حساب بیاوریم که به شکل امروزی، سابقه‌ای در متون فقهی ندارد. بر اساس چنین نگرشی به اعتبارات اسنادی، ناگزیریم به دنبال دلایل و مستندات فقهی لازم برای اثبات مشروعیت آن باشیم که در ذیل بدان اشاره می‌شود.

۶-۶-۱. بنای عقلا

از شرایط اساسی یک قرارداد، وجود نفع عقلایی در آن است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۶۷-۱۶۸ / اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۱۶۷). چنانچه عقلا به بستن یک قرارداد اقدام کنند - یعنی آن را ارزشمند و مفید بدانند - آن عقد عقلایی به شمار می‌آید (برهانیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۲۱). در قرارداد اعتبار اسنادی، چون فروشنده و خریدار در دو کشور مختلف حضور دارند و از وضعیت یکدیگر باخبر نیستند، برای اطمینان خاطر، معامله با واسطه‌گری دو بانک - یعنی بانک کشور واردکننده (بانک گشاینده اعتبار) و بانک کشور صادرکننده (بانک ابلاغ‌کننده اعتبار) - انجام می‌شود و بانک‌های مزبور بر حُسن جریان معامله؛ یعنی پرداخت بهای کالای خریداری‌شده و نیز بر مراتب دریافت اسناد مقرر، مراقبت و نظارت کامل دارند. این روش که پرداخت وجه و دریافت اسناد را به وسیله بانک گشاینده اعتبار تضمین می‌کند، برای تطبیق منافع متعارض صادرکننده (فروشنده) و واردکننده (خریدار) روشی مناسب است؛ زیرا فروشنده از راه اعتبارات اسنادی به دلیل تعهد بانک، مطمئن می‌شود ثمن معامله را دقیقاً طبق شرایط توافقنامه فروش دریافت می‌کند. از سوی دیگر، خریدار نیز اطمینان می‌یابد فروشنده طبق توافقنامه فروش، به تعهداتش عمل می‌کند.

افزون بر این، اعتبارات اسنادی برای بانک گشاینده اعتبار نیز منافی دارد؛ زیرا اعتبارات اسنادی باعث جذب معاملات ارزی برای فروش ارزهای گردآوری‌شده بانک

می‌شود و سپرده‌های بانک در معاملات سالم و حقیقی که در مقابل آن اسناد کالا را در دست دارد، به کار انداخته می‌شود. همچنین باعث تحصیل درآمد به هنگام اعطای تسهیلات اعتباری برای گشایش، واریز اسناد اعتبار و دریافت کارمزد می‌شود. بر این اساس، قرارداد اعتبار اسنادی نفع عقلایی دارد و مورد تأیید عقلاست. از ناحیه شارع نیز ردع و منعی در رد این بنا در دست نیست؛ بنابراین تردیدی در مشروعیت آن وجود ندارد.

۲-۶-۶. عموم و اطلاق دلایل

علاوه بر بنای عقلا می‌توان به اطلاق و عمومات آیاتی همچون «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱) و «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء: ۲۹) و احادیثی چون «الْمُسْلِمُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ إِلَّا كَلَّ شَرْطٌ خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ» (صدوق قمی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۰۲، ح ۳۷۶۵ / طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۲، ح ۹۳ / حرّ عاملی، [بی‌تا]، ج ۱۲، ص ۳۵۳) و «وَلَا يَحِلُّ مَالُ امْرَأٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِطِبِّ نَفْسِهِ» (صدوق قمی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۹۳ / حرّ عاملی، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۴۴۹) استناد کرد که در ذیل به طور خلاصه به آنها اشاره می‌کنیم.

۲-۶-۶-۱. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»

مفاد این آیه بر درستی پیمان‌ها دلالت می‌کند. با توجه به معنای «وفا» و «عقد»، وضع (الف) و (لام) برای استغراق، ظهور وضعی جمع همراه با (الف) و (لام) در عموم و معنای عرفی عقد، همچنین نبودن قرینه‌ای مبنی بر اختصاص آیه به عقد یا عهد خاصی، نتیجه می‌گیریم که آیه شریفه شامل همه عقود متعارف و مرسوم عرفی می‌شود. بر این اساس، آیه شریفه بر صحت پیمان‌های متداول و متعارف که مورد نهی شارع نباشد، دلالت می‌کند (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۲۰۸ / نائینی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۵ / انصاری، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۷).

با بررسی آیه و نظرات فقها چنین نتیجه می‌گیریم هر قراردادی که بر اساس قصد طرفین آن واقع شده باشد، تا هنگامی که با مبانی شریعت اسلام منافات نداشته باشد،

صحیح بوده، عمل به مفاد آن واجب است.

بر این اساس، قرارداد اعتبار اسنادی مشروع بوده، انجام مفاد آن لازم‌الوفاست.

۲-۲-۶-۶. آیه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»

کلمه «لَا تَأْكُلُوا» در آیه، بر نهی دلالت دارد و در نتیجه آیه بر حرمت تملک غیرشرعی اموال مردم دلالت دارد؛ زیرا مقصود از اکل، همان تصرف و تملک است؛ ولی هر تصرفی که ناشی از تجارت عقلایی مبتنی بر رضایت طرفین باشد، جایز و حلال خواهد بود (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۲۱۵).

در مجموع نتیجه می‌گیریم هر معامله عرفی و عقلایی که بر اساس تراضی شکل بگیرد، نافذ و معتبر است. قرارداد اعتبار اسنادی نیز از عقود است که امروزه میان مردم متداول و متعارف می‌باشد و بر اساس تراضی شکل می‌گیرد و با توجه به اینکه دلیلی بر بطلان آن وجود ندارد و شرایط عمومی صحت قراردادها را داراست، مشروع و معتبر است.

۳-۲-۶-۶. حدیث نبوی «الْمُسْلِمُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ»

این روایت و روایت «الْمُسْلِمُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» از جمله روایاتی‌اند که برای صحت عقود نامعین به آنها استدلال شده است. این روایات از نظر سند، شهرت دارند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۲، ح ۱۹۴ / حرّ عاملی، [بی تا]، ج ۱۲، ص ۳۵۳)؛ بنابراین به صورت یک قاعده مورد استناد قرار گرفته‌اند. در این حدیث، پیامبر اکرم (ص) درصدد بیان یک قاعده کلی برای جمیع ایمان‌آوردگان در هر زمان و مکان بوده است؛ زیرا حدیث دارای عموم افرادی و ازمائی بوده، همه پیمان‌ها و قراردادها را دربرمی‌گیرد (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۱).

مطابق ادله پیش‌گفته، قرارداد اعتبار اسنادی به عنوان یکی از عقود مستحدثه، مشروع و لازم‌الوفاست. البته این نکته مغفول نماند که قرارداد اعتبار اسنادی، همانند قراردادهای دیگر، تابع مقررات و الزامات قانونی است؛ بدین معنا که قواعد عمومی قراردادهای بر انعقاد این قرارداد حکمفرماست (رفیعی، ۱۳۸۷، ص ۸۹).

۳-۶-۶. تذکر

یکی از دلایلی که باعث شده است حقوق داخلی و رویه بانکی به دنبال معین قلمدادکردن قرارداد اعتبار اسنادی باشد، دوری از مسئله رباست؛ زیرا بانک گشاینده اعتبار علاوه بر دریافت کارمزد، برای گشایش اعتبار، بهره وجه پرداختی به ذی نفع را نیز از متقاضی دریافت می‌کند و اگر اعتبارات اسنادی در قالب عقدی معین قرار نگیرد، بهره دریافتی از متقاضی، مصداق ربای حرام می‌شود و از نظر مراجع عظام تقلید، دریافت بهره مذکور جایز نیست (خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۶۱۷-۶۱۸ / بهجت، ۱۴۲۸، ص ۴۶۲)؛ ولی با تأمل در روند عملیات اعتبارات اسنادی، می‌توان در عین پذیرش اعتبارات اسنادی به عنوان قراردادی جدید، مشکل ربوی بودن قرارداد را با تجزیه آن به دو قرارداد حل کرد:

در اعتبارات اسنادی، بانک پرداخت وجه کالا را به ذی نفع را تعهد کرده است و متقاضی (خریدار) از راه بانک، وجه کالا را می‌پردازد. در این حالت گاهی بانک، نخست وجه کالا را از متقاضی می‌گیرد و آن را در ازای دریافت اسناد مطابق با شرایط اعتبار، به ذی نفع تحویل می‌دهد؛ ولی بسیاری مواقع، متقاضی وجه اعتبار را در اختیار ندارد. در این صورت، جدای از قرارداد اعتبار اسنادی، متقاضی با بانک گشاینده، قراردادی منعقد می‌کند که بر اساس آن بانک وجه کالا را تأمین می‌کند و آن را از جانب متقاضی به ذی نفع می‌دهد. در حقیقت در این حالت، دو قرارداد میان متقاضی و بانک گشاینده اعتبار منعقد می‌شود:

الف) قراردادی که بانک گشاینده اعتبار متعهد می‌گردد از سوی متقاضی، وجه کالا را در مقابل ارائه اسناد مطابق با شرایط اعتبار به ذی نفع بپردازد. در این حالت، بانک گشاینده اعتبار، مستحق دریافت اجرت انجام عملیات اعتبار اسنادی است. دریافت این اجرت نیز از نقطه نظر شرعی جایز است؛ چنان‌که اکثریت مراجع تقلید معاصر نیز به این مسئله تصریح کرده‌اند (بهجت، ۱۴۲۸، ص ۴۶۲ / خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۶۱۷-۶۱۸ / وحید خراسانی، ۱۴۲۸، ص ۵۹۱ / سیستانی، توضیح المسائل مراجع، مسائل بانکی، مسئله ۷).

ب) علاوه بر قرارداد مذکور، متقاضی برای تأمین وجه کالا، با بانک گشاینده اعتبار

قراردادی منعقد می‌کند که بر اساس آن بانک وجه کالا را تأمین می‌کند و آن را از جانب متقاضی به ذی‌نفع می‌دهد. البته این قرارداد باید مطابق با یکی از عقود شرعی که در فصل سوم - تسهیلات اعطایی بانکی - قانون عملیات بانکی بدون ربا ذیل عنوان عقود مبادله‌ای (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله، سلف، خرید دین، مباحه و استصناع) و عقود مشارکتی (مضاربه، مشارکت مدنی و حقوقی) به آنها اشاره شده است، منعقد گردد تا سود دریافتی بانک از متقاضی، از مصادیق ربا نباشد.

گفتنی است با توجه به اینکه قانون عملیات بانکی بدون ربا در مجلس شورای اسلامی تصویب شده و در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۱۰ به تأیید شورای نگهبان رسیده است، بر این اساس، با اعطای اعتبار به متقاضیان ذیل عقود پیش‌گفته و رعایت شرایط عقود مذکور، دریافت بهره به وسیله بانک، مصداق ربا نیست و در نتیجه مشکل دریافت بهره در عملیات اعتبار اسنادی برطرف می‌گردد.

با این توصیف، در پایان باید متذکر شد قرارداد اعتبار اسنادی که به عنوان عقدی نامعین پذیرفته شد، همان قرارداد اول است که بانک در ازای پرداخت وجه اعتبار به ذی‌نفع مستحق کارمزد می‌گردد؛ ولی قرارداد دوم از ماهیت قرارداد اعتبار اسنادی خارج است و فقط اعطای اعتباری از سوی بانک به متقاضی برای خرید کالای مورد نیازش می‌باشد.

نتیجه

به طور خلاصه از پژوهش حاضر نتایج ذیل حاصل گردید:

۱. قرارداد اعتبار اسنادی، بر رضایت سه طرف «متقاضی»، «ذی‌نفع» و «بانک گشاینده اعتبار» متوقف است؛ ولی انعقاد آن با ایجاب متقاضی و قبول بانک گشاینده اعتبار انجام می‌گیرد.

۲. اعتبار اسنادی عقدی لازم، مستقل، تشریفاتی، عهدی و تبعی است.

۳. تطبیق نهاد اعتبارات اسنادی با قالب عقود معین، با توجه به ایرادهایی که به آن وارد است، امکان‌پذیر نیست. از این رو، لازم است این قرارداد را از قالب‌های متعارف فقهی خارج دانسته، نهاد اعتبارات اسنادی را از جمله عقود نامعین و مصداق ماده ۱۰

قانون مدنی به حساب آورد که به شکل امروزی آن، سابقه‌ای در متون فقهی ندارد.

۴. معمولاً در عملیات گشایش اعتبار اسنادی، دو قرارداد منعقد می‌گردد: قراردادی که طی آن بانک گشاینده، متعهد می‌شود وجه کالا را از طرف متقاضی به ذی‌نفع پرداخت کند و قراردادی که در آن، بانک، اعتباری برای تأمین وجه کالا به متقاضی می‌دهد که قرارداد اول، «قرارداد اعتبار اسنادی» و قرارداد دوم، فقط «اعطای اعتباری از سوی بانک به متقاضی برای خرید کالای مورد نیازش» می‌باشد. البته این قرارداد نیز باید طبق یکی از عقود شرعی و بر اساس بانکداری بدون ربا منعقد گردد.

منابع

* قرآن کریم.

۱. ابافت، رسول، (۱۳۸۶)، اعتبارات اسنادی و ماهیت حقوقی آن در تجارت بین الملل؛ پیک نور، ضمیمه زمستان، شماره ۴، ص 88-108
۲. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور؛ (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ ج ۲، چ ۲، قم: جامعه المدرسين.
۳. ابن قدامه، عبدالله؛ (بی تا)، المغنی؛ بیروت: دارالکتب العربی.
۴. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم؛ (۱۴۱۴ق)، لسان العرب؛ ج ۳، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۵. ابوالحسنی، اکبر؛ (۱۳۷۵)، سفارشات خارجی (توصیف و تحلیل حقوقی)؛ تهران: ماهنامه صنعت.
۶. اتاق بازرگانی بین المللی و مرکز تجارت بین المللی؛ (۱۳۸۷)، مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP 600)؛ ترجمه محمد صالح ذوقی؛ ج ۲، تهران، کمیته ی ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی.
۷. اخلاقی، بهروز؛ (۱۳۷۰)، «بختی پیرامون اعتبارات اسنادی»؛ مجله حقوقی دادگستری؛ شماره ۱، ص ۶۵-۹۹.
۸. اردبیلی، احمد بن محمد؛ (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة والبرهان؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. امامی، سید حسن؛ (۱۳۷۶)، حقوق مدنی؛ ج ۳، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۱۰. انصاری، مرتضی؛ (۱۴۱۵ق)، المکاسب؛ قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۱۱. بجنوردی، سید حسن؛ (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهية؛ قم: نشر الهادی.

۱۲. بجنوردی، سیدمحمد؛ (۱۳۸۵)، عقد ضمان؛ تهران: انتشارات مجده.
۱۳. برهانیان، عبدالحسین و ابوالقاسم نقیعی؛ (۱۳۸۶)، بررسی مبانی بیمه در اسلام؛ قم: زمزم هدایت.
۱۴. بناء نیاسری، ماشاءالله؛ (۱۳۸۹)، جنبه‌های حقوقی اعتبارات اسنادی بین‌المللی (رساله دکتری)؛ راهنما دکتر نیکبخت؛ تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۱۵. بهجت، محمدتقی؛ (۱۴۲۸ق)، رساله توضیح المسائل؛ ج ۹۲، قم: انتشارات شفق.
۱۶. پرتال انهار؛ توضیح المسائل مراجع مسائل بانکی؛ <http://portal.anhar.ir>.
۱۷. تی. لاریا، ایمانوئل؛ «روش‌های پرداخت در تجارت الکترونیک»؛ (۱۳۸۵)، مجله حقوقی نشریه مرکز امور بین‌الملل معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری؛ ترجمه ماشاءالله بناء نیاسری؛ شماره ۳۴، ص ۱۵۷-۲۱۰.
۱۸. توضیح المسائل مراجع، <http://portal.anhar.ir> - پورتال انهار
۱۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ (۱۳۷۵)، دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران، مشعل آزادی
۲۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ (۱۳۸۸)، الفارق؛ ج ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۲۱. جمعی از پژوهشگران؛ (۱۳۸۲)، فرهنگ فقه مطابق مذهب أهل‌البيت؛ زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی؛ قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۲۲. حاج علی، محمدرضا؛ (۱۳۸۴)، بررسی تطبیقی اعتبار اسنادی داخلی با اعتبارات اسنادی بین‌المللی و راه‌های رفع موانع در جهت افزایش کارایی آن (رساله کارشناسی ارشد)؛ تهران: مؤسسه بانکداری جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. حرّ عاملی، محمدبن حسن؛ (بی‌تا)، وسائل الشیعة؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۴. حلّی (محقق)، جعفر بن حسن؛ (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام؛ ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۵. حلّی (علامه)، حسن بن یوسف؛ (۱۴۱۱ق)، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین؛

- تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۶. حلی (علامه)، حسن بن یوسف؛ (۱۳۱۴ق)، قواعد الأحكام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. حلی (علامه)، حسن بن یوسف؛ (۱۴۱۴ق)، تذکرة الفقهاء؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲۸. خزاعی، حسین؛ «روش های پرداخت ثمن در تجارت بین المللی»؛ (۱۳۷۸)، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی؛ تهران: دانشگاه تهران، شماره ۳۳، ص ۳۴-۱.
۲۹. خمینی، سیدروح الله؛ (بی تا)، تحریر الوسیلة؛ قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۳۰. خویی، سید ابوالقاسم؛ (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین؛ ج ۲۸، قم: نشر مدینة العلم.
۳۱. دهخدا، علی اکبر؛ (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا؛ ج ۲، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳۲. رافعی، عبدالکریم بن محمد؛ (بی تا)، فتح العزیز فی شرح الوجیز؛ بیروت: دارالفکر.
۳۳. رضایی برزگر، داور؛ (۱۳۹۰)، عملیات بانکی بین المللی؛ ج ۲، تهران: انتشارات پیشبرد.
۳۴. رفیعی، محمد تقی؛ (۱۳۸۷)، «تحلیل حقوقی قرارداد گشایش اعتبار اسنادی در حقوق ایران»؛ نشریه حقوق خصوصی؛ تهران: دانشگاه تهران، ش ۱۲، ص ۵۱-۹۶.
۳۵. زرقاء، مصطفی احمد؛ (بی تا)، «المصارف معاملاتها، ودائها، فوائدها»؛ مجله المجمع الفقہی الإسلامی؛ شماره ۱، عمان: الجامعة الأردنية كلية الشريعة.
۳۶. زمانی فراهانی، مجتبی؛ (۱۳۸۴)، بانکداری خارجی؛ تهران: انتشارات ترمه.
۳۷. زمانی فراهانی، مجتبی؛ (۱۳۸۶)، اعتبارات اسنادی و مسائل بانکی؛ تهران: انتشارات ترمه.
۳۸. زمانی فراهانی، مجتبی؛ (۱۳۸۸)، اعتبارات اسنادی بازرگانی؛ تهران: انتشارات ترمه.
۳۹. سرخسی، شمس الدین؛ (۱۴۰۶ق)، المبسوط؛ بیروت: دارالمعرفة.
۴۰. سماواتی، حشمت الله؛ (۱۳۷۷)، حقوق معاملات بین المللی؛ تهران: انتشارات ققنوس.

۴۱. شبیر، محمدعثمان؛ (۱۴۲۷ق)، المعاملات المالية المعاصرة فى فقه الإسلامى؛ ج ۶، اردن: دارالفنائس.
۴۲. صدوق قمی، محمدبن علی بن بابویه؛ (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۳. طارم سرى، مسعود؛ (۱۳۷۷)، حقوق بازرگانى بين المللى؛ تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانى.
۴۴. طوسى، محمدبن حسن؛ (۱۳۸۷)، المبسوط؛ ج ۳، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۴۵. طوسى، محمدبن حسن؛ (۱۴۰۷ق)، تهذيب الأحكام؛ ج ۴، تهران: دارالكتب الإسلامية.
۴۶. عاملی (شهید اول)، محمدبن مکى؛ (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعية؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۷. عاملی (شهید ثانی)، زين الدين بن علی؛ (۱۴۱۰ق)، روضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية؛ قم: کتابفروشى داوری.
۴۸. عاملی (شهید ثانی)، زين الدين بن علی؛ (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام؛ قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۴۹. علم الدين، محى الدين اسماعيل؛ (۱۴۱۷ق)، الإعتمادات المستندية؛ قاهره: المعهد العالمى للفكر الإسلامى.
۵۰. عمروانى، رحمن؛ (۱۳۸۷)، «روابط حقوقى طرفین اعتبار اسنادى»؛ مجله فقه و حقوق؛ شماره ۱۶، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۱۵۷-۱۸۲.
۵۱. کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۸۳)، حقوق مدنى (عقود معين)؛ ج ۶، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۵۲. کرکى، علی بن حسين؛ (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد؛ ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۵۳. کریمى، اسدالله؛ (۱۳۶۷)، «مرورى بر اعتبارات اسنادى و آخرین مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادى»؛ مجله حقوقى دفتر خدمات حقوقى بين المللى جمهوری اسلامی؛ شماره ۹، ص ۸۹-۱۲۴

۵۴. کیدری، محمدبن حسین؛ (۱۶۱۶ق)، إصباح الشيعة بمصايح الشريعة؛ قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۵۵. گائو ایکس، یانگ/روس پی، بوکلی؛ (۱۳۸۵)، «ماهیت حقوقی ویژه و منحصر به فرد اعتبارات اسنادی»؛ مجله حقوقی نشریه مرکز امور بین الملل معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری؛ ترجمه ماشاءالله بناء نیاسری؛ شماره ۳۵، ص ۳۰۵-۳۴۵.
۵۶. لنگریچ، رینهارد؛ (۱۳۸۷)، اعتبارات اسنادی در حقوق تجارت بین الملل؛ ترجمه سعید حسنی؛ تهران: نشر میزان.
۵۷. مرادی بنی، محمدعلی؛ (۱۳۸۰)، حقوق و تعهدات بانک در پرداخت های اعتباری (رساله کارشناسی ارشد)، راهنما دکتر بهروز اخلاقی؛ تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۵۸. مغنیه، محمدجواد؛ (۱۹۶۵م)، فقه الإمام الصادق(ع)؛ بیروت: انتشارات دارالعلم.
۵۹. موسویان، سیدعباس؛ (۱۳۸۶)، ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)؛ تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶۰. نائینی، میرزاحمدحسین؛ (۱۳۷۳)، منية الطالب في حاشية المكاسب؛ تقریر موسی نجفی خوانساری؛ تهران: المكتبة المحمدية.
۶۱. نجفی، محمدحسن؛ (۱۴۰۴ق)، جواهرالکلام؛ ج ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۶۲. نووی، محی الدین؛ (بی تا)، المجموع فی شرح المذهب؛ بیروت: دارالفکر.
۶۳. الهلویی زارع، فاطمه؛ (۱۳۸۷)، مسئولیت بانک در اعتبارات اسنادی (رساله کارشناسی ارشد)؛ راهنما دکتر شهبازی نیا؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۶۴. هنرمند، مهدی؛ (۱۳۸۶)، «مبانی حقوقی اعتبار اسنادی در معاملات بین المللی»؛ نشریه دادرسی؛ شماره ۷۵، ص ۵۲-۵۸.
۶۵. وحید خراسانی، حسین؛ (۱۴۲۸ق)، توضیح المسائل؛ ج ۹، قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.

